
فرایند نهادینه سازی «نماز» در جامعه مبتنی بر سیر نزول آیات

محمد رضا حقیقت سمنانی^۱ (نویسنده مسئول)

محسن حقیقت سمنانی^۲

سید علی حسینی^۳

چکیده

دین اسلام بر سه محور عقائد، اخلاق و احکام نازل گردیده، هر کدام از این محور ها دارای اصول و ارکانی است، براساس آیات قرآن کریم محور و رکن اعمال و احکام دین، نماز است که در ۹۰ آیه قرآن کریم درباره آن سخن گفته شده و در روایات نماز عمود دین دانسته شده است، چنانچه رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم خاطرنشان نمودند، بعد از انقلاب اسلامی توجه به نماز و گسترش فرهنگ نماز خوانی در جامعه رشد چشمگیری داشته لکن شایسته است در گام دوم انقلاب اقامه نماز به عنوان رکن اعمال عبادی در جامعه اسلامی جایگاه شایسته خود را پیدا نموده و نهادینه گردد بر این اساس پژوهش حاضر به روش تحلیلی، توصیفی بر اساس یکی از روش های تفسیر موضوعی قرآن، که تفسیر بر اساس سیر

۱. دانش آموخته جامعه المصطفی العالمیه. دکتری تفسیر تطبیقی mohammad.hagh ۵۴@yahoo.com

۲. دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم haghightasemmani@gmail.com

۳. دانش آموخته جامعه المصطفی العالمیه. دکتری مدیریت hoseni ۸۴۶۳@gmail.com

نزول آیات مرتبط با آن موضوع است، به بررسی چگونگی تبلیغ و نهادینه سازی نماز در جامعه براساس سیر نزول آیات قرآن کریم و کیفیت تدریجی بودن ابلاغ این حکم پرداخته و آیات مرتبط با نماز را در سه مرحله تبیین نموده است، بر این اساس مرحله اول بر محوریت فرهنگ سازی و آماده سازی جامعه برای پذیرش حکم نماز، مرحله دوم بر محور تشریح نماز های پنج گانه و بیان بیشتر ابعاد اخلاقی نماز و محوریت مرحله سوم، پرداخت بیشتر به احکام نماز و بیان ابعاد اجتماعی نماز می باشد. ابلاغ مرحله ای نماز برای جامعه عصر نزول و تدریجی بودن بیان احکام نشانگر توجه شارع مقدس به اصول تربیتی انسان ساز جهت نهادینه سازی گام به گام فرهنگ نماز خوانی در جامعه می باشد که باید مورد توجه اهالی فرهنگ و سیاست گذاران فرهنگی در گام دوم انقلاب قرار گیرد.

کلید واژگان: نهادینه سازی نماز، نماز در قرآن، سیر تدریجی نزول آیات نماز، گام دوم

انقلاب

مقدمه

یکی از روش های نوپدید در بررسی موضوعی دیدگاه های قرآن، بررسی سیر تطور و شکل گیری موضوع در بستر نزول است. بدین سان که مفسر به جای چینش آیات مربوط به یک موضوع بر اساس نظم مورد نظر خود، آنها را به ترتیب چینش الهی در هنگام نزول مورد بررسی و پژوهش قرار می دهد تا از این رهگذر، نکات تربیتی، تاریخی و روش شناسانه را پیرامون دیدگاه قرآن درباره یک موضوع به دست آورد استفاده از این روش دستاوردهای فراوانی دارد، از جمله آنکه با بررسی یک موضوع به ترتیب نزول می توان به روش نهادینه کردن ارزش های دینی در جامعه پی برد؛ امری که با تفسیر موضوعی به روش های رایج در بیشتر موارد مقدور و میسر نمی باشد. (خامه گر محمد، ۱۳۸۹، ص ۲۴۲)

در سبک تفسیر موضوعی به حسب نزول، پس از مشخص شدن موضوع مورد نظر، آیات مرتبط از قرآن استخراج شده و سپس آیات به ترتیب نزول سوره ها منظم می گردد. آن گاه بر اساس نظم نزولی آیات، به استنباط نکات تربیتی و تاریخی و روش شناسانه می پردازیم. در قرآن کریم ۹۰ آیه در ۳۷ سوره به نماز اختصاص دارد. بررسی آیات نماز به ترتیب نزول نشان می دهد که در عصر نزول، فرهنگ نماز با چه مدلی ترویج و نهادینه شده است. اگر آیات را به ترتیب نزول مرتب نماییم، متوجه می شویم نماز و مسائل مربوط به آن در یک فرآیند چند مرحله ای بیان شده است. (خامه گر محمد، ۱۳۸۹، ص ۲۴۷)

براین اساس پژوهش حاضر به بررسی مراحل "تبلیغ نماز" در قرآن کریم بر اساس سیر نزول آیات نماز پرداخته است و آیات مرتبط با نماز را در سه مرحله بر این اساس ساماندهی نموده است، در این راستا آیات نماز نمایه زنی شده و ذیل سه فصل کلی و در سه مرحله تبیین گردیده اند، در مرحله اول فرهنگ سازی و آماده سازی جامعه برای پذیرش حکم نماز، در مرحله دوم تشریح نمازهای پنج گانه و بیان بیشتر ابعاد اخلاقی نماز و در مرحله سوم، پرداخت بیشتر به احکام نماز و بیان ابعاد اجتماعی نماز تبیین شده اند.

روش پژوهش در این مقاله تحلیلی، توصیفی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و

مراجعه به اسناد نوشتاری می‌باشد.

اهمیت، ضرورت و فایده

پیشینه تحقیق و نوآوری مقاله

در ارتباط با موضوع نماز در قرآن کتابی تحت عنوان نماز در قرآن نوشته محسن قرائتی و مقاله‌ای با عنوان نماز از دیدگاه قرآن نوشته سیداحمد خاتمی به رشته تحریر در آمده، همچنین مقالات و پایان نامه‌های گوناگونی در ارتباط با ابعاد مختلف نماز در قرآن یا نماز به طور کلی نوشته شده است، اما تا کنون پژوهشی پیرامون راهکارهای نهادینه سازی و تثبیت فرهنگ نماز در جامعه براساس سیر نزول آیات نماز نگاشته نشده است بر این اساس ضرورت این تحقیق و نوآوری آن روشن می‌گردد.

مراحل تبلیغ نماز در قرآن

مرحله اول: فرهنگ سازی و آماده سازی جامعه برای پذیرش حکم نماز

مقابله فرهنگی با نماز ستیزان

بحث نماز اولین بار در قرآن کریم در سوره علق که اولین سوره‌ی نازل شده بر پیامبر ﷺ است مطرح شده. سوره علق سوره‌ای است که به اعتقاد همه مفسران مکی است و همه‌ی آن به صورت یکباره نازل شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰ / ۳۲۲، فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۲ / ۲۱۵، بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۵ / ۳۲۵، سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۶ / ۳۶۸) در آیات ۹ و ۱۰ این سوره «أَرَأَيْتَ اللَّذِي يَنْهَى» (علق ۹) «عَبْدًا إِذَا صَلَّى» (علق ۱۰) سخن از فردی طغیانگر و نماز ستیز است که رسول خدا را از نماز خواندن نهی می‌کند، خداوند نیز چنین شخصی را نکوهش و به او وعده عقاب می‌دهد، همچنین رسول خدا را از اطاعت وی نهی نموده و امر به سجده و نزدیک شدن به خود به واسطه نماز می‌دهد، با توجه به اینکه این سوره اولین سوره نازل شده بر پیامبر بوده و همه‌ی سوره یکجا نازل شده است؛ نشان از آن دارد که رسول خدا قبل از رسیدن به رسالت نیز نماز می‌خوانده البته بی‌شک کیفیت آن نماز با نمازی که

بعدا واجب شد متفاوت بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰/ ۳۲۵) بر این اساس در جامعه عصر نزول اجمالا امری به نام نماز شناخته شده بوده است و رویکرد اولیه وحی در تبلیغ و فرهنگ سازی نماز مقابله فرهنگی و نرم با مخالفین و بازدارندگان نماز و تقبیح رفتار نماز ستیزان بوده است. در نتیجه از منظر قرآن کریم، یکی از راهکارهای نهادینه سازی نماز، مقابله فرهنگی با نماز ستیزان می باشد.

آماده سازی مرحله ای جامعه برای نمازهای واجب یومیه

سوره مزمل سوره ای مکی و دومین یا سومین سوره ای است که بر پیامبر ﷺ نازل شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰ / ۶۰) در سوره مزمل با بیانی رحمت آمیز و بعد از بیان تخفیف در بحث نماز شب، وجوب نماز را با فعل امر بیان می نماید: «أَقِمْوا الصَّلَاةَ» (۲۰ مزمل) در صورتی که این آیه نیز مانند سوره مکی باشد مقصود از نماز در آیه نمازهای واجب بر پیامبر قبل از هجرت می باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰ / ۷۶) بر این اساس خداوند در این مرحله بر اصل نمازی که اجمالا نزد مردم شناخته شده بوده و پیامبر می خوانده تاکید نموده و امر کرده است اما ظاهرا هنوز نمازهای یومیه با همه ی احکامش تشریح نشده است. در نتیجه نماز به گونه ای مرحله ای و تدریجی در جامعه نهادینه سازی گردیده که خود یکی از روش های تثبیت یک امر فرهنگی در جامعه است.

۳. تبیین پیامدهای منفی بی نمازی

سوره مدثر سوره ای مکی است که در اوائل بعثت نازل شده و جزء اولین سوره های قرآنی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰ / ۷۹) سیوطی در الاتقان آن را سومین سوره دانسته است. (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۱ / ۱۱۰) آنگونه که بیان شد، نماز در جامعه عصر نزول امر نسبتا شناخته شده ای بوده و ریشه این مساله نیز وجود حکم نماز در امم سابقه بوده است، بر این اساس خداوند در راستای تبلیغ نماز، در سوره مدثر، بی نمازی را یکی از عوامل جهنمی شدن افراد در امم سابقه دانسته است: «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (۴۳ مدثر) نماز در این آیه، نماز

خاص که در شریعت اسلام تشریح شده نیست بلکه مراد توجه عبادی خاص به سوی خداوند است که در شریعت‌های گذشته نیز وجود داشته و اختلاف کمی و کیفی که در نماز در شرایع مختلف وجود دارد با وجود اصل نماز در همه ی ادیان در شرایع مختلف آسمانی، ضروری به این مساله نمی زند (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص: ۹۷) با توجه به این نکته که نماز هنوز به صورت خاص خود در اسلام واجب نشده بوده نکوهش بی‌نمازی و بیان پیامد های اخروی بی‌نمازی در آیه شریفه نشان از آماده سازی تدریجی و مرحله‌ای جامعه برای تشریح و جوب نماز تثبیت آن در جامعه دارد، این روشی است قرآنی که در جامعه کنونی نیز برای تبلیغ نماز به صورت مرحله‌ای و گام به گام خصوصا برای کودکان و نوجوانان قابل استفاده است.

تبیین آثار مثبت نماز خواندن

همچنین در سوره اعلی که سوره‌ای مکی و هفتمین سوره نازل شده بر نبی اکرم است (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۱۱۰/۱) در راستای تشویق به نماز، نمازخواندن یکی از ویژگی‌های رستگاران و اهل تذکیه دانسته شده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (اعلی، ۱۴ و ۱۵) مراد از نماز در این آیه نیز اعم از نماز اصطلاحی در شرع اسلام است (من هدی القرآن، ج ۱۸، ص: ۴۹)

معرفی نماز به عنوان آیین شکر گزاری

در سوره کوثر که سوره‌ای مکی است (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص: ۸۳۵، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۵، ص: ۴۷۸) «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» (کوثر، ۲) نماز پس از امتنان بر رسول به واسطه اعطاء کوثر به ایشان به عنوان آیینی برای شکر گزاری نعمات الهی معرفی گردیده است. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص: ۳۷۱)

نکوهش بی‌مبالاتی نسبت به نماز

سوره ماعون نیز سوره‌ای است که در مکه نازل شده است (الإتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص: ۱۱۰) در این سوره بی‌مبالاتی در نماز نکوهش گردیده «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ - الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (۴ و ۵ ماعون) غافلانی که اهتمام به نماز نداشته و نسبت به فوت شدن همه ی نماز هایشان یا بعضی از نمازها یا تاخیر از وقت فضیلت بی‌مبالا هستند را نکوهش نموده چنین اشخاصی را بر تکذیب کنندگان دین تطبیق نموده چراکه چنین اشخاصی عملاً دین را تکذیب نموده لذا خالی از نفاق نیستند، چنین اشخاصی برای ریاکاری تظاهر به ایمان می‌کنند (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص: ۳۶۸) در نتیجه این آیات به شماتت سهل‌انگاران در نماز پرداخته و چنین اشخاصی را هم ردیف با مکذبین قرار داده است.

همچنین در سوره قیامت که به شهادت سیاقش سوره‌ای مکی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص: ۱۰۳) (فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى) (۳۱ قیامت) بی‌نمازی را ویژگی انسانی که اسلام را تصدیق نمی‌کند معرفی نمود، یعنی چنین انسانی دعوت حقه اسلام و معارف آن را تصدیق نکرد، و برای پروردگارش نماز نخواند، در نتیجه نه اصول دعوت را پذیرفت و نه فروع آن را که نماز رکن آن فروع است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص: ۱۱۴)

وعده پاداش به نماز گزاران

در سوره اعراف که سوره‌ای مکی است (مفاتیح الغیب، ج ۱۴، ص: ۱۹۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص: ۵) «وَالَّذِينَ يَمْسِكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» (۱۱۷۰ اعراف) مصلحین هر امتی را کسانی معرفی کرده که به کتاب تمسک نموده و نماز می‌خوانند نزد خداوند هرگز اجر این مصلحان جوامع بشری ضایع نخواهد شد، اینکه از میان همه اجزای دین تنها اقامه نماز را ذکر کرد نیز برای شرافتی است که نماز بر سایر اجزای دین دارد، چون نماز رکن دین است، به وسیله نماز یاد خدا و خضوع در برابر خداوند حفظ می‌شود. چراکه نماز به منزله روحی زنده، در جسم تمام شرایع دینی است (المیزان فی

تفسیر القرآن، ج ۸، ص: ۲۹۹)

توصیف نماز گزاران

در سوره فاطر که سوره‌ای مکی است (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص: ۶۲۴) «إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يُخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (فاطر ۱۸) اقامه نماز و بی‌زگی اهل خشوع و تزکیه دانسته شده و کسانی را انداز پذیر دانسته که در نهان خداترس بوده و اهل نماز باشند، چرا که نماز افضل عبادات و مهم ترین آنهاست، براساس آیه شریفه راه تزکیه نفس نیز خداترسی در نهان و اقامه نماز می باشد. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص: ۳۶) همچنین در سوره فاطر آیه ۲۹ نماز را تجارتي دانسته که زبانی در آن نیست «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورًا» این آیه کسانی که اهل نماز بوده و محافظت بر ترک نشدن آن دارند را اینگونه توصیف نموده که آنان تجارتي را امیدوارند که به هیچ وجه دچار ضرر و خسران نمی گردد (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص: ۴۳)

توصیف نماز در سیره انبیاء

در سوره مریم که برمکی بودن آن اجماع وجود دارد (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص: ۷۷۲، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص: ۵۲) در آیه «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (۳۱ مریم) عیسی علیه السلام نماز را توصیه خداوند به خود دانسته، در این عبارت اشاره‌ای به تشریح نماز در شریعت حضرت عیسی است، مقصود از نماز نیز توجه عبادی خاص به خداوند است. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۴۷)

در ادامه اقامه نماز را توصیه همیشگی حضرت عیسی به اهلش یعنی خانواده و عشیره و قومش دانسته است «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (۵۵ مریم) سپس گروهی از اهل کتاب را توصیف می کند «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا

الشَّهَوَاتِ فَسُوْفَ يُلْقَوْنَ غَيًّا» (مریم ۵۹) این گروه از اهل کتاب که جانشین گروه صالحی شدند که اهل خضوع و خشوع و عبادت بودند، به خلاف گذشتگان خود نماز که توجه عبادی خاص به سوی خدای سبحان است را ضایع کردند، یعنی با سهل انگاری در نماز آن را فاسد نمودند در عوض شهوات را پیروی کردند، در نتیجه همان شهوات، ایشان را از مجاهده در راه خدا و توجه به او مانع گردید. این سهل انگاری و بی اعتنائی کار را به جایی رساند که نماز را بازیچه قرارداد و در آن دخل و تصرف نمودند و سرانجام بعد از قبولش به کلی ترکش نموده و ضایعش کردند، این گروه که دین الهی از آن طبقه صالح به ایشان منتقل گردید، حق جانشینی گروه پیشین درباره دین را ادا نکردند، و آنچه را از نماز به ارث برده بودند ضایع نمودند، در حالی که نماز تنها رکن عبودیت بود. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۷۸)

در سوره طه آیه ۱۴ «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» خداوند خطاب به موسی عليه السلام از وی می خواهد نماز را برای یاد او به پادار اینک از میان انواع عبادت نماز را ذکر کرد، با اینکه قبلا در جمله "فاعبدنی" عبادت را به طور عموم ذکر کرده بود، برای این است که اهمیت نماز را نشان دهد، و بفهماند نماز بهترین عملی است که خضوع عبودیت را ممثل نموده، و ذکر خداوند را همانند تحقق روح در جسد، تحقق می بخشد. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۱۴۰)

همچنین در آیه ۱۳۲ سوره طه که سوره ای مکی است (التبیین فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۱۵۷) «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْتَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَزُفُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» خداوند به رسول خدا توصیه میکند که اهل خود را به نماز امر کند و خود نیز بر انجام آن شکیبیا و پراستقامت باش، مقصود از اهل رسول خدا بر حسب انطباقش با هنگام نزول، خدیجه همسر آن جناب و علی عليه السلام هستند چون علی عليه السلام هم اهل آن جناب و در خانه آن جناب بود و یا مراد آن دویزگوار به ضمیمه بعضی از دختران رسول خدا می باشند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۲۳۹) چرا که این نماز برای تو و خاندانت مایه پاکی و صفای

قلب و تقویت روح و دوام یاد خدا است... اگر دستور نماز به تو و خاندانت داده شده است، منافع و برکاتش تنها متوجه خود شما است... این نماز چیزی بر عظمت پروردگاری نمی‌افزاید، بلکه سرمایه بزرگی برای تکامل شما انسانها و کلاس عالی تربیت است. (تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص: ۳۴۲)

اقامه نماز ویژگی مؤمنین

و در سوره نمل که سوره‌ای مکی است (مفاتیح الغیب، ج ۲۴، ص: ۵۴۰) «الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (نمل ۳) قرآن را کتاب مبینی دانسته که برای مؤمنین بسیار هدایت کننده است. نگاه ویژگی این مؤمنین را اقامه نماز ذکر نموده است چرا که نماز در میان اعمال صالح رکن است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص: ۳۴۰)

مرحله دوم: تشریح نمازهای پنج‌گانه و بیان بیشتر ابعاد اخلاقی نماز

تشریح احکام نمازهای پنج‌گانه یومیه (اسراء ۷۸)

در این مرحله که از سوره اسراء که سوره‌ای مکی است (الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۶، ص: ۵۴) شروع می‌شود برای اولین بار احکام اوقات نمازهای پنج‌گانه بیان می‌شود، «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً» (اسراء ۷۸) آیه شریفه بر اوقات نماز از اول ظهر تا نصف شب دلالت دارد، نمازهای واجب یومیه که در این قسمت از شبانه روز باید خوانده شود چهار نماز است، ظهر و عصر و مغرب و عشاء، و با انضمام نماز صبح که جمله: " وَقُرْآنَ الْفَجْرِ" دلالت بر آن دارد نمازهای پنجگانه یومیه را به طور کامل شامل می‌شود. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص: ۱۷۵)

بیان حکم جهر و اخفات در نماز

همچنین در آیه ۱۱۰ سوره اسراء «قُلْ اذْعُوا لِلَّهِ اَوْ اذْعُوا الرَّحْمَنَ اَيَا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تُخَافُوا بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» حکم جهر و اخفات در

نماز یعنی بلند خواندن یا آهسته خواندن برخی نمازها بیان شده، بر اساس این آیه شریفه همه نمازها را نباید با صدای بلند خواند، همچنین همه آنها را نباید آهسته خواند بلکه باید راه میانه‌ای در پیش گرفت چنانچه در سنت ثابت شده است که برخی نمازها مانند صبح و مغرب و عشاء بلند خوانده می‌شود و برخی مانند ظهر و عصر آهسته (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص: ۲۲۶)

توصیف نماز در ادیان گذشته

در سوره یونس که سوره‌ای مکی است (تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، ج ۲، ص: ۲۹۰) آیه ۷۸ «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ يُبُوتَا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» از فرمان الهی به موسی و هارون سخن گفته شده است که باید برای قوم خود خانه‌هایی در سرزمین مصر انتخاب کنند، آنان باید این خانه‌ها را نزدیک به یکدیگر و مقابل هم بسازند تا موسی و هارون بتوانند برای امر تبلیغ دین دسترسی به آنان داشته باشند و آنها بتوانند نماز را به جماعت بخوانند، از این طریق به خود سازی معنوی و روحانی پرداخته و با به پا داشتن نماز روان خود را پاک و قوی نمایند. (تفسیر نمونه، ج ۸، ص: ۳۷۰، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص: ۱۱۴-۱۱۵)

در سوره هود نیز که سوره‌ای مکی است (الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص: ۳۷۷) آیه ۸۷ «قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ» به ویژگی در نماز اشاره دارد که مخالفان هود نبی به آن پی برده بودند آنان می‌گفتند: آنچه تواز ما می‌خواهی که پرستش بت‌ها را ترک نموده و نیز به دلخواه خود در اموالمان تصرف نکنیم چیزی است که نمازت تورا بر آن وادار کرده و آن را در نظرت زشت و مشوه جلوه داده پس در واقع نماز تو اختیاردار تو شده و تورا امر و نهی می‌کند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص: ۳۶۵) در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا آنها روی "نماز" شعیب تکیه کردند؟. بعضی از مفسران گفته‌اند، این به دلیل آن بوده که شعیب بسیار نماز می‌خواند و به مردم می‌گفت: نماز انسان را از کارهای زشت و منکرات باز می‌دارد بعضی

نیز احتمال داده‌اند که "صلاة" اشاره به آئین و مذهب است، زیرا آشکارترین سمبل دین نماز است. بهر حال اگر آنها درست اندیشه می‌کردند، این واقعیت را در می‌یافتند که نماز حس مسئولیت و تقوا و پرهیزکاری و خدا ترسی و حقشناسی را در انسان زنده می‌کند، او را به یاد خدا و به یاد دادگاه عدل او می‌اندازد، گرد و غبار خودپسندی و خودپرستی را از صفحه دل او می‌شوید، و او را از جهان محدود و آلوده دنیا به جهان ما وراء طبیعت به عالم پاک‌ها و نیکی‌ها متوجه می‌سازد، و به همین دلیل او را از شرك و بت پرستی و تقلید کورکورانه نیاکان و از کم‌فروشی و انواع تقلب باز می‌دارد. (تفسیر نمونه، ج ۹، ص: ۲۰۶ - ۲۰۷)

دستور به اقامه نماز

در سوره هود: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلَّذِينَ كَانُوا لَا يُدْرِكُونَ» (۱۱۴ هود) پس از بیان احکام فقهی اوقات نماز و ویژگی معنوی نماز را چنین بیان می‌دارد که نمازها حسناتی است که در دل‌های مؤمنین وارد شده و آثار معصیت و تیرگی‌هایی که دل‌هایشان از ناحیه سیئات کسب کرده‌اند را از بین می‌برد. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص: ۵۸)

در سوره انعام نیز که جز برخی آیات مکی است (تفسیر الکاشف، ج ۳، ص: ۱۵۷) به برپایی نماز و پرهیزکاری امر نموده «وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّقُوا وَ هُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (انعام ۷۲) و "با ذکر کلمه" و اتقوه" تمامی عبادات و اعمال دین را خلاصه کرده و تنها از میان آنها نماز را اسم برد برای آن اهمیتی که نماز نزد خداوند داشته، و عنایتی که خداوند در امر آن دارد، زیرا اهتمام قرآن شریف نسبت به نماز جای هیچ تردید نیست. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۱۴۵)

تلازم ایمان و محافظت بر نماز

در آیه ۹۲ سوره انعام «... وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» ویژگی مؤمنین به آخرت را مراقبت و حفاظت نسبت به نماز خود بیان نموده، این

مؤمنین در امر نماز و عباداتی که در آن خدای را ذکر می‌کنند محافظت و مراقبت دارند. این صفت همان است که در "سوره مؤمنون" در خاتمه صفات مؤمنین ذکر کرده و فرموده: "وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ" و از اینکه در همان سوره اولین صفت مؤمنین را خشوع دانسته و فرموده: "الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ" استفاده می‌شود که مراد از محافظت هم در آن سوره و هم در این آیه، خشوع در نماز و تذلل و تاثر باطنی از عظمت پروردگار در موقع ایستادن در مقام عبودیت او است، برخی از مفسران نیز محافظت را به مراقبت در اوقات نماز تفسیر کرده‌اند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۲۸۰)

تبلیغ عملی نماز و الگو سازی

در آیه ۱۶۲ سوره انعام «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» شیوه‌ی تبلیغ دین و خصوص نماز را پیاده شدن آن در زندگی رسول و دیده شدنش توسط مردم دانسته و بر ویژگی اخلاص در نماز تاکید می‌کند، در این آیه شریفه خدای تعالی رسول گرامی خود را دستور می‌دهد که به مردم بگوید: او خودش به آنچه که خداوند به سوی آن هدایتش کرده عمل می‌کند. و منظور از این اعلام این است که رسول خدا ﷺ از تهمت دورتر شده و مردم بهتر دین او را تلقی به قبول کنند، چون یکی از نشانه‌های راستگویی این است که گوینده به گفته‌های خود عمل نموده و گفتارش با کردارش مطابقت داشته باشد، لذا می‌فرماید: به مردم بگو که من نماز و تمامی عبادات و زندگی و در جمیع شؤون زندگی، بنده‌ای هستم تنها برای خدا، و روی خود را تنها متوجه او نمودم. چیزی را قصد نمی‌کنم و از چیزی روی گردان نیستم مگر برای او، در مسیر زندگی قدمی بر نمی‌دارم و به سوی مرگ قدم نمی‌گذارم مگر برای او، چون او پروردگار همه عالمیان و مالک همه و مدبر همه است. من به این نحو از عبودیت مأمور شده‌ام، و اولین کسی که تسلیم خواسته او شود، و آن عبودیت به تمام معنا را از هر باب و هر جهتی که او خواسته قبول نماید، خودم هستم. از اینجا معلوم می‌شود که منظور از جمله "إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ" این است که آن جناب اخلاص بندگی خود را در نماز و عبادات دیگر و زندگی و مرگ اظهار کند. (المیزان فی تفسیر

القرآن، ج ۷، ص: ۳۹۴)

در سوره لقمان که سوره‌ای مکی است (معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۵۸۴) «الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (لقمان ۴) ویژگی محسنین و نیکوکاران را اقامه نماز و ایتاء زکات دانسته چراکه عمده و مهم در اعمال عبادی این دو هستند (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۳۹۴) در سوره لقمان از زبان جناب لقمان نماز را در کنار امر به معروف و نهی از منکر و صبر قرار داده و فرزندش را با زبانی نرم به آن توصیه می‌کند: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان ۱۷) پسر نماز را برپا دار چراکه نماز مهمترین پیوند تو با خالق است، نماز قلب تو را بیدار و روح تو را مصفی، و زندگی تو را روشن می‌سازد. آثار گناه را از جانت می‌شوید، نور ایمان را در سرای قلبت پرتوافکن می‌دارد، و تو را از فحشاء و منکرات بازمی‌دارد. سپس می‌گوید این سه بازو وظائف حتمی و کارهای اساسی هر انسانی است، عزم" به معنی اراده محکم است و تعبیر به "عزم الامور" در اینجا یا به معنی کارهایی است که دستور مؤکد از سوی پروردگار به آن داده شده است و یا کارهایی که انسان باید نسبت به آن عزم آهنین و تصمیم راسخ داشته باشد. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص: ۵۲-۵۳)

توصیف نماز به عنوان ویژگی مؤمنین

در سوره شوری که سوره‌ای مکی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص: ۵) ویژگی مؤمنین را برپاداشتن نماز می‌داند «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (شوری ۳۸) طبق آیه شریفه مؤمنین پروردگار خود را استجابت می‌کنند" یعنی اعمال صالحی که خدا از ایشان خواسته انجام می‌دهند، آنگاه در بین همه تکالیف الهی نام نماز را به میان آورد و فرمود "و نماز پیا می‌دارند" این از باب ذکر خاص بعد از عام است و به خاطر اهمیت و شرافتی است که نماز دارد. علاوه بر اینکه از ظاهر کلام برمی‌آید که این آیات مکی است و در مکه سایر واجبات از قبیل زکات و خمس و روزه و جهاد واجب نشده بود. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص: ۶۳)

توصیف نماز به عنوان راه رسیدن به خدا

خداوند در سوره ابراهیم که سوره‌ای مکی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص: ۵) نماز را راه خود دانسته و بایبانی سرشار از لطف و مهربانی از رسولش می‌خواهد به مؤمنین بگوید که نماز را به پا دارند «قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ» (ابراهیم ۳۱) خداوند به وسیله پیامبر بندگان خود را که ایمان آورده‌اند دستور می‌دهد که او را رها نکنند و تا روز قیامت راه خدا و ریسمان محکم او را از دست ندهند... جمله "يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيَنْفِقُوا" بیان از راه خدا است و اینکه آیه شریفه در معرفی راه خدا، تنها به این دو اکتفاء کرد، چون سایر وظائف و دستورات شرعی که هر یک به تناسب خود، شانی از شؤون حیات دنیوی را اصلاح می‌کند - عده‌ای از قبیل نماز میان بنده و پروردگار او را، و عده‌ای نظیر انفاق، میان بنده با بندگان دیگر را اصلاح می‌نماید - همه از این دورکن، منشعب می‌شوند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص: ۵۷)

نقل ماجرای دعا کردن حضرت ابراهیم برای نماز خوان شدن فرزندان

در آیه ۳۷ سوره ابراهیم «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» ایشان در مناجات با پروردگارش می‌گوید پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین فاقد هرگونه زراعت و آب و گیاه، نزد خانه‌ای که حرم تو است گذاشتم تا نماز را برپای دارند (تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص: ۳۶۲) و برای نماز خوان شدن فرزندانش دعا می‌کند «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم ۴۰) اینکه ابراهیم در دعا خودش را به عنوان مفرد و مستقل ذکر کرده. بدان جهت بوده که خواسته است علاوه بر فرزندان که در این موقع داشته، تمامی ذریه آینده‌اش را هم در این امر به خود ملحق سازد، (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص: ۷۸)

وحی تسدیدى ضرورت نماز به پیامبران

در سوره انبیاء که سوره‌ای مکی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۲۴۳) اقامه نماز را از جمله فیوضات الهی معرفی می‌شود که به کسانی که به مقام والای امامت رسیده‌اند وحی می‌گردد «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء ۷۳) براین اساس کسانی که به مقام امامت بار یافتند مؤید به روح القدس، و روح الطهاره، و مؤید به قوتی ربانی هستند که ایشان را به فعل خیرات و اقامه نماز و دادن زکات دعوت می‌کند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۰۵) این وحی می‌تواند وحی تشریحی بوده باشد، یعنی ما انواع کارهای خیر و ادای نماز و اعطای زکات را در برنامه‌های دینی آنها گنجانیدیم؛ و نیز می‌تواند وحی تکوینی باشد، یعنی به آنها توفیق و توان و جاذبه معنوی برای انجام این امور بخشیدیم. ذکر "اقامه صلاة و اداء زکات" بعد از "فعل خیرات": به خاطر اهمیت این دو برنامه است که نخست بطور عام در جمله "وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ" و بعد به طور خاص بیان شده است. (تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص: ۴۵۶)

بیان کیفیت نماز مؤمنانه

در سوره مؤمنون که از سور مکی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص: ۵) قرآن "اقامه صلاة" (خواندن نماز) را نشانه مؤمنان نمی‌شمارد بلکه خشوع در نماز را از ویژگی‌های آنان می‌شمرد «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (مؤمنون ۲) (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص: ۱۹۴) خشوع به معنای تاثیر خاصی است که به افراد مقهور دست می‌دهد، افرادی که در برابر سلطانی قاهر قرار گرفته‌اند، به طوری که تمام توجه آنان معطوف او گشته و از جای دیگر قطع می‌شود، بر اساس این آیه شریفه چون نماز عبارت است از توجه کسی که جز فقر و ذلت ندارد به درگاه عظمت و کبریایی و منبع عزت و بهای الهی. لازمه چنین توجهی این است که: نمازگزار متوجه به چنین مقامی، مستغرق در ذلت و خواری گشته و دلش را از هر چیزی که او را از قصد و هدفش باز می‌دارد برکند. پس اگر ایمان نمازگزار ایمانی صادق باشد در هنگام توجه به ربش هم او را یکی می‌کند، آن هم معبود اوست و اشتغالش به عبادت، او را از هر کار دیگری

باز می‌دارد. آری، شخص فقیری که فقرش نه تنها از جهت درهم و دینار است، بلکه سرپای ذاتش را گرفته وقتی در برابر غنی قرار می‌گیرد که غنایش را به هیچ مقیاس نمی‌توان اندازه گرفت، چه می‌کند؟ و ذلیل وقتی متوجه عزت مطلقه می‌گردد، عزتی که آمیخته با ذلت و خواری نیست، چه حالتی از خود نشان می‌دهد؟ (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص: ۶ - ۷) همچنین مؤمنین را کسانی دانسته که در حفظ نماز های خود می‌کوشند «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (مؤمنون ۹) اینکه فرموده: " نماز را محافظت می‌کنند" قرینه این است که مراد محافظت از عدد آن است پس مؤمنین محافظت دارند که یکی از نمازهایشان فوت نشود و دائماً مراقب‌اند. حق ایمان هم همین است که مؤمنین را به چنین مراقبتی بخواند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص: ۱۱) جالب اینکه این سوره: نخستین ویژگی مؤمنان را "خشوع در نماز" و آخرین صفت آنها را "محافظت بر نماز" شمرده است، از نماز شروع می‌شود و به نماز ختم می‌گردد چرا که نماز مهمترین رابطه خلق و خالق است. نماز برترین مکتب عالی تربیت است. نماز وسیله بیداری روح و جان و نیمه‌کننده انسان در برابر گناهان است. خلاصه نماز هرگاه با آدابش انجام گیرد زمینه مطمئنی برای همه خوبیها و نیکیها خواهد بود... بعد از ذکر این صفات ممتاز، نتیجه نهایی آن را به این صورت بیان می‌کند: " آنها وارثانند" (أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ). همان وارثانی که فردوس و بهشت برین را به ارث می‌برند و جاودانه در آن خواهند ماند. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص: ۲۰۱ - ۲۰۲)

در سوره معارج که به جز برخی آیات مکی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص: ۵) پس از توصیف انسان به عنوان موجودی هلوع یعنی کم طاقت و حریص نماز گزاران را از چنین افرادی استثناء می‌نماید «إِلَّا الْمُصَلِّينَ» (معارج ۲۲) علت اینکه نماز گزاران را ذکر نمود، برای این است که شرافت نماز را رسانیده، و بفهماند نماز بهترین اعمال است. علاوه بر این، نماز اثر روشنی در دفع رذیله هلع مذموم دارد، چون در آیه " إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ" نماز را بازدارنده از هر فحشاء و منکر می‌داند (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص: ۱۵) در ادامه آنان را نماز گزارانی دانسته که «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» (معارج ۲۳)

نمازهای خود را تداوم می‌بخشند، آنان بر خواندن نمازشان مداومت دارند، نه اینکه دائما در نماز بوده‌اند، و ستودن آنان به مداومت در نماز اشاره است به اینکه اثر هر عملی با مداومت در آن کامل می‌شود. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص: ۱۵) این توجه مستمر مانع از غفلت و غرور، و فرورفتن در دریای شهوات، و اسارت در چنگال شیطان و هوای نفس می‌شود... اصولا هر کار خیری آن گاه در انسان اثر مثبت می‌گذارد که تداوم داشته باشد. (تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص: ۳۰) و در آیه ۳۴ «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يَحْفَظُونَ» نماز گزارانی را که از صفات ناپسند مستثنی هستند را به وصف محافظت بر نماز توصیف می‌کند، منظور از "محافظت بر صلاة" این است که صفات کمال نماز را رعایت کند، و آن طور که شرع دستور داده نماز بخواند. بعضی از مفسرین گفته‌اند: محافظت بر نماز، غیر مداومت بر آن است، چون دوام مربوط به خود نماز و نفس عمل است، و اما محافظت مربوط به کیفیت آن است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص: ۱۷) در اینجا سخن از حفظ آداب و شرائط و ارکان و خصوصیات آن است آدابی که هم ظاهر نماز را از آنچه مایه فساد است حفظ می‌کند، و هم روح نماز را که حضور قلب است تقویت می‌نماید، و هم موانع اخلاقی را که سد راه قبول آن است از بین می‌برد این آغاز و پایان نشان می‌دهد که در میان تمام این اوصاف توجه به نماز برترین و مهمترین آنها است، چرا چنین نباشد در حالی که "نماز مکتب عالی تربیت" و "مهمترین وسیله تهذیب نفوس و پاکسازی جامعه" است. در پایان این سخن مسیرنهایی صاحبان این اوصاف را بیان می‌کند، در اینجا در یک جمله کوتاه و پر معنی می‌فرماید: "کسانی که دارای این صفاتند در باغهای بهشت جای دارند و از هر نظر گرامی داشته می‌شوند" (أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ). (تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص: ۳۹ - ۴۰)

تاکید بر اهمیت نماز

در سوره روم که سوره‌ای مکی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص: ۱۵۳) با ذکر نماز در کنار تقوا و توصیه به برپایی آن اهمیت نماز را نشان داد «مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (۳۱ روم) کلمه "تقوی" در اینجا بر حسب دلالتی که مقام دارد

شامل امتثال اوامر خدا، و پرهیز از نواهی او می شود، و از بین همه اوامر خدا فقط نماز را ذکر کرد برای اینکه اهمیت آن را برساند، چون نماز عمود دین است. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص: ۱۸۲)

توصیف نماز به عنوان عامل بازدارنده از فحشاء و منکر

در سوره عنکبوت ضمن توصیه به نماز، نماز را باز دارنده از فحشاء و منکر معرفی می نماید «... أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت ۴۵) مراد از این بازداری، بازداری طبیعت نماز از فحشاء و منکر است، البته بازداری آن به نحو اقتضاء است نه علیت تامه، که هر کس نماز خواند، دیگر نتواند گناه کند این عمل مخصوصا که بنده خدا آن را در هر روز پنج بار به جا بیاورد، و همه عمر ادامه دهد، و مخصوصا اگر آن را همه روزه در جامعه ای صالح به جا بیاورد، و افراد آن جامعه نیز مانند او همه روزه به جا بیاورند، و مثل او نسبت به آن اهتمام بورزند، طبعا با گناهان کبیره سازش ندارد. آری توجه به خدا از در بندگی، آنهم در چنین محیط و از چنین افراد، طبیعتا باید انسان را از هر معصیتی کبیره و هر عملی که ذوق دینی آن را شنیع می داند، از قبیل قتل نفس، تجاوز به جانها و به مال ایتم، زنا، ولواط، باز بدارد، بلکه نه تنها از ارتکاب آنها، بلکه حتی از تلقین آن نیز جلوگیری کند. برای اینکه نماز مشتمل است بر ذکر خدا، و این ذکر، اولاً ایمان به وحدانیت خدای تعالی، و رسالت و جزای روز قیامت را به نمازگزار تلقین می کند، و به او می گوید که خدای خود را با اخلاص در عبادت مخاطب قرار داده و از او استعانت بنما، و درخواست کن که تورا به سوی صراط مستقیم هدایت نموده، و از ضلالت و غضبش به او پناه ببر. و ثانياً او را وادار می کند بر اینکه با روح و بدن خود متوجه ساحت عظمت و کبریایی خدا شده، پروردگار خود را با حمد و ثنا و تسبیح و تکبیر یاد آورد، و در آخر بر خود و هم مسلکان خود و بر همه بندگان صالح سلام بفرستد. علاوه بر این او را وادار می کند به اینکه از حدث (که نوعی آلودگی روحی است)، و از خبث یعنی آلودگی بدن و جامه، خود را پاک کند، و نیز از اینکه لباس و مکان نمازش غصبی باشد، پرهیزد، و روزه سوی خانه پروردگارش بایستد. پس

اگر انسان مدتی کوتاه بر نماز خود پایداری کند، و در انجام آن تا حدی نیت صادق داشته باشد، این ادامه در مدت کوتاه به طور مسلم باعث می‌شود که ملکه پرهیز از فحشاء و منکر در او پیدا شود. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص: ۱۳۳-۱۳۴)

توصیف نماز به عنوان ویژگی متقین هدایت یافته

در سوره بقره که سوره ای مکی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص: ۴۳) اقامه نماز ویژگی متقین هدایت یافته معرفی شده است، «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره ۳) ویژگی دیگر پرهیزگاران آنست که: " نماز را بر پا می‌دارند" (وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ). "نماز" که رمز ارتباط با خدا است، مؤمنانی را که به جهان ما وراء طبیعت راه یافته‌اند در یک رابطه دائمی و همیشگی با آن مبدء بزرگ آفرینش نگه می‌دارد آنها تنها در برابر خدا سر تعظیم خم می‌کنند، و تنها تسلیم آفریننده بزرگ جهان هستی هستند، و به همین دلیل دیگر خضوع در برابر بتها، و یا تسلیم شدن در برابر جباران و ستمگران، در برنامه آنها وجود نخواهد داشت چنین انسانی احساس می‌کند از تمام مخلوقات دیگر فراتر رفته، و ارزش آن را پیدا کرده که با خدا سخن بگوید، و این بزرگترین عامل تربیت او است. کسی که شبانه روز حد اقل پنج بار در برابر خداوند قرار می‌گیرد، و با او به راز و نیاز می‌پردازد، فکرا، عمل او، گفتار او، همه خدایی می‌شود، و چنین انسانی چگونه ممکن است بر خلاف خواست او گام بردارد. مشروط بر اینکه راز و نیازش به درگاه حق، از جان و دل سرچشمه گیرد و با تمام قلب رو به درگاهش آورد. (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۷۳)

طرح نماز جماعت

در آیه ۴۳ سوره بقره «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» که در ادامه دستورات خداوند به بنی اسرائیل است ضمن دلالت بر اینکه نماز آیینی برای همه ادیان بوده، دستوری مبنی بر اجرای نماز جماعت است، چراکه نمی‌گوید نماز بخوانید، بلکه می‌گوید: أَقِيمُوا الصَّلَاةَ (نماز را بپا دارید) یعنی تنها خودتان نمازخوان نباشید بلکه چنان

کنید که آئین نماز در جامعه انسانی برپا شود، و مردم با عشق و علاقه به سوی آن بیایند. (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۲۰۹) سپس برای پیروزی بر امیال و خواسته‌های دل و بیرون کردن حب جاه و مقام از سرتوصیه به یاری گرفتن از نماز می‌کند (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۲۱۶)

بیان آثار و ویژگی‌های نماز

«وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره ۴۵) استعانت بمعنای طلب کمک است، و این در وقتی صورت می‌گیرد که نیروی انسان به تنهایی نمی‌تواند مهم و یا حادثه‌ای را که پیش آمده بر وفق مصلحت خود بر طرف سازد، و اینکه فرموده: از صبر و نماز برای مهمات و حوادث خود کمک بگیرید، برای اینست که در حقیقت یآوری بجز خدای سبحان نیست، در مهمات یاور انسان مقاومت و خویشتن داری آدمی است، به اینکه استقامت بخرج داده، ارتباط خود را با خدا وصل نموده، از صمیم دل متوجه او شود، و بسوی او روی آورد، و این همان صبر و نماز است، و این دو بهترین وسیله برای پیروزی است، چون صبر هر بلا و یا حادثه عظیمی را کوچک و ناچیز می‌کند، و نماز که اقبال بخدا، و التجاء باو است، روح ایمان را زنده می‌سازد، و بآدمی می‌فهماند: که بجایی تکیه دارد که انهدام پذیر نیست، و به سببی دست زده که پاره شدنی نیست. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص: ۱۵۲) سپس اضافه می‌کند "این کار جز برای خاشعان سنگین و گران است" (وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ). (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۲۱۶).

معرفی نماز به عنوان قانون ثابت الهی

در آیه ۸۳ سوره بقره سخن از میثاقی است که خداوند از بنی اسرائیل گرفت مواردی که در این میثاق آمده از اموری است که می‌بایست آن را جزء اصول و قوانین ثابت ادیان الهی دانست، چرا که در همه ادیان آسمانی این پیمانها و دستورات به نحوی وجود دارد. در این آیات، قرآن مجید یهود را شدیداً مورد سرزنش قرار می‌دهد که چرا این پیمانها را شکستند؟ و آنها را در برابر این نقض پیمان به رسوایی در این جهان و کیفر شدید در آن جهان تهدید

می‌کند. (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۳۲۸) از جمله موارد این میثاق که از بنی اسرائیل گرفته شد برپایی نماز است «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ» (بقره ۸۳)

معرفی نماز به عنوان عامل تقویت روح برای مقابله با دشمنان

در آیه ۱۰۹ سوره بقره بیان می‌کند کفار در صدد این هستند که شما را از دین برگردانند و در آیه ۱۱۰ «وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» دستور به اقامه نماز می‌دهد که راهکاری است برای ایجاد رابطه محکم میان انسان و خدا و نیرومند سازی روح انسان (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۴۰۰)

بیان حکم نماز طواف

در آیه ۱۲۵ سوره بقره «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا وَ أَخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَ عَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ» بیان می‌شود که از مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود انتخاب کنید (وَ أَخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ). مقصود از مقام ابراهیم، مقام معروف ابراهیم است که محلی است در نزدیکی خانه کعبه، و حجاج بعد از انجام طواف به نزدیک آن می‌روند و نماز طواف بجا می‌آورند بنا بر این منظور از "مصلی" نیز محل نماز است. (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۴۴۸)

معرفی نماز به عنوان عامل کسب آمادگی روحی برای بلاها و جهاد

همچنین خداوند برای کسب آمادگی روحی برای بلاها و جهاد توصیه می‌کند از صبر و نماز استعانت بجوئید، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره ۱۵۳) صبر که عبارتست از خودداری از جزع و ناشکیبایی و از دست ندادن امر تدبیر، و نماز که عبارت است از توجه به سوی پروردگار و انقطاع به سوی کسی که همه امور به دست او

است، آری (أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً، نیرو همه اش از خداست) (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص: ۳۴۴)

معرفی نماز به عنوان نیکی

در آیه ۱۷۷ سوره بقره نماز را به عنوان نیکی و از جمله ویژگی های مردمان نیکو کار را برپاداشتن نماز معرفی می نماید «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» در این جمله بجای اینکه کلمه (بر) به کسره را تعریف کند، کلمه (بر) به فتحه را تعریف کرد، تا هم بیان و تعریف مردان نیکوکار را کرده باشد و در ضمن اوصافشان را هم شرح داده باشد، و هم اشاره کرده باشد به اینکه مفهوم خالی از مصداق و حقیقت، هیچ اثری و فضیلتی ندارد. و این خود دأب قرآن در تمامی بیاناتش است که وقتی میخواهد مقامات معنوی را بیان کند، با شرح احوال و تعریف رجال دارنده آن مقام، بیان میکند و به بیان مفهوم تنها قناعت نمیکند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص: ۴۲۸) سومین اصل از اصول نیکیها را برپا داشتن نماز می شمرد و می گوید: "آنها نماز را برپا می دارند" (وَأَقَامَ الصَّلَاةَ). نمازی که اگر با شرائط و حدودش، و با اخلاص و خضوع، انجام گیرد، انسان را از هر گناه باز می دارد و به هر خیر و سعادت تشویق می کند. (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۵۹۹)

تاکید بر حفظ و مراقبت نسبت به نماز و اوقات نماز (نمازهای پنج گانه)

در آیه ۲۳۸ سوره بقره بر حفظ و مراقبت نسبت به نمازها خصوصاً نماز وسطی تاکید می شود «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» از آنجا که نماز مؤثرترین رابطه انسان با خدا است، و در صورتی که با شرائط صحیح انجام گیرد دل را لبریز از عشق و محبت خدا می کند و در پرتو آن انسان بهتر می تواند خود را از آلودگی به گناه پاک سازد، در

آیات قرآن تاکید فراوانی روی آن شده، از جمله در نخستین آیه فوق می‌فرماید: "در انجام همه نمازها مخصوصا نماز وسطی، مداومت کنید و در حفظ آن کوشا باشید" (حَافِظُوا عَلَي الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى). "و با خضوع و خشوع و توجه کامل، برای خدا بپاخیزید" (وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ). مبادا گرما و سرما و گرفتاریهای دنیا و پرداختن به مال و همسر و فرزند شما را از این امر مهم باز دارد. با قرائن مختلفی که در دست است روشن است که منظور همان نماز ظهر است زیرا علاوه بر اینکه نماز ظهر در وسط روز انجام می‌شود، و شان نزول آیه نیز گواهی می‌دهد، و روایات متعددی که از معصومین ع نقل شده بر آن تاکید دارند. تاکید روی این نماز به خاطر این بوده که بر اثر گرمی هوای نیمروز تابستان، یا گرفتاریهای شدید کسب و کار، نسبت به آن کمتر اهمیت می‌دادند، آیه فوق اهمیت نماز وسطی، و لزوم محافظت بر آن را مورد تاکید قرار داده است. (تفسیر نمونه، ج ۲، ص: ۲۰۶)

بیان پاداش نمازگزاران

در آیه ۲۷۷ سوره بقره «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» پاداش و نتیجه عمل نماز گزاران را بیان می‌کند که اینان پاداش خود را نزد پروردگار خواهند داشت و در هر دو جهان از نتیجه عمل نیک خود بهره‌مند می‌شوند. طبیعی است دیگر عوامل اضطراب و دلهره برای این دسته به وجود نمی‌آید... بالاخره از آرامش کامل برخوردار بوده هیچگونه اضطراب و غمی نخواهند داشت (تفسیر نمونه، ج ۲، ص: ۳۷۲)

معرفی نماز به عنوان ویژگی مؤمنین و متوکلین

در سوره انفال که سوره‌ای مدنی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص: ۵) اقامه نماز ویژگی مؤمنین و متوکلین معرفی می‌گردد «الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (انفال ۳) وقتی ایمان به حد کاملش در دل مستقر گردید قهرا انسان بسوی عبودیت معطوف گشته و پروردگار خود را به خلوص و خضوع عبادت می‌کند، و این عبادت همان نماز است.

(المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص: ۱۲)

توصیف کیفیت نماز خواندن مشرکین

در آیه ۳۵ انفال مشرکینی که مانع زیارت مسجد الحرام می شدند را به واسطه کیفیت نماز خواندنشان توصیف نموده و به آنان وعده عذاب داده است «وَ مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَ تَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» چرا خداوند عذابشان نکند و حال آنکه همین هاینکه بندگان مؤمن را از مسجد الحرام جلوگیری می کنند، نماز خواندنشان در خانه خدا جز ملعبه‌ای از سوت کشیدن و دست زدن نبود، پس چون چنین بود اینک باید عذاب را به کیفر اینکه کفر می ورزیدند بچشند (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص: ۷۳)

توصیف نماز در سیره انبیاء گذشته

در سوره آل عمران که سوره‌ای مدنی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۵) وحی به زکریا و بشارت به وی برای فرزند دار شدن در حال نماز مطرح گردیده «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ هُوَ قَائِمٌ يَصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران ۳۹) به هنگامی که زکریا مسجد یا در محراب ایستاده و مشغول نیایش بود، جبرئیل یا ندائی از سوی ملائکه زکرایا را را صدا زدند که خداوند تورا به یحیی بشارت می دهد (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۷۴۲)

دستور اقامه نماز به همسران پیامبر

در سوره احزاب که سوره‌ای مدنی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص: ۲۷۲) دستور اقامه نماز به همسران پیامبر ابلاغ می گردد «وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (احزاب ۳۳) این آیه دستور می دهد که همسران پیامبر اوامر دینی را امتثال کنند، و اگر از بین همه اوامر فقط نماز و زکات را ذکر نمود، برای این است

که این دودستور رکن عبادت، و معاملات است، و بعد از ذکر این دوه طور جامع فرمود: و خدا و رسولش را اطاعت کنید. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص: ۳۰۹)

مرحله سوم: پرداخت بیشتر به احکام نماز و بیان ابعاد اجتماعی نماز

بیان احکام جزئی تر نماز (حکم لزوم هشیاری در نماز، لزوم طهارت هنگام نماز)

از سوره نساء که سوره ای مدنی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص: ۱۳۴) آیات بیشتری در ارتباط با احکام نماز با جزئیات بیشتری بیان می گردد، اولین حکم مرتبط با نماز در سوره نساء در آیه ۴۳ سوره نساء بیان گردیده «یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلاة و انتم سُکاری حتی تعلموا ما تقولون و لا جنباً الا عابری سبیل حتی تغتسلوا و ان کُنتم مرضی او علی سفر او جاء احد منکم من الغائط او لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیداً طیباً فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم ان الله کان عفواً غفوراً» (نساء ۴۳). تحریم نماز در حال مستی، یعنی افراد مست نمی توانند مشغول اداء فریضه نماز شوند و نماز آنها در این حال باطل است، فلسفه آن هم روشن است، زیرا نمازگفتگوی بنده و راز و نیاز او با خدا است و باید در نهایت هوشیاری انجام گردد و افراد مست از این مرحله دور و بیگانه اند... خواندن نماز در حال هشیاری، لازمه اش این است که در فاصله این اوقات از نوشیدن مایعات مست کننده به کلی صرف نظر شود زیرا غالباً مستی آن تا موقع نماز ادامه می یابد، و حالت هشیاری پیدا نمی شود، بنا بر این حکم آیه فوق شبیه یک تحریم همیشگی و مستمر است. این موضوع نیز لازم به یادآوری است که در روایات متعددی که در کتب شیعه و اهل تسنن وارد شده آیه فوق به "مستی خواب" تفسیر شده یعنی در حالی که هنوز کاملاً بیدار نشده اید، شروع به نماز نکنید تا بدانید چه می گوئید... ضمناً از این جمله نیز می توان استفاده کرد که بهتر است در حال کسالت و کمی توجه نیز انسان نماز نخواند، زیرا حالت فوق به صورت ضعیف در او وجود دارد... ضمناً از این جمله نیز می توان استفاده کرد که بهتر است در حال کسالت و کمی توجه نیز انسان نماز نخواند، زیرا حالت فوق به صورت ضعیف در او وجود دارد. (تفسیر نمونه،

ج ۳، ص: ۳۹۶ - ۳۹۸) در آیه ۷۷ حال جمعیتی بیان می‌شود که در یک موقعیت نامناسب با حرارت و شور عجیبی تقاضا می‌کردند که به آنها اجازه جهاد داده شود، و به آنها دستور داده شد که فعلا خودداری کنید و به خود سازی و انجام نماز و تقویت نفرات خود و ادای زکات بپردازید، اما هنگامی که زمینه از هر جهت آماده شد و دستور جهاد نازل گردید، ترس و وحشت یکباره وجود آنها را فرا گرفت، و زبان به اعتراض در برابر این دستور گشودند (تفسیر نمونه، ج ۴، ص: ۱۴)

بیان احکام نماز خوف و نماز شکسته و نماز در حالت عادی

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا» (۷۷ نساء) در ادامه در آیات ۱۰۱ و ۱۰۲ نماز خوف و نماز شکسته در سفر تشریح شده است، این آیات سخن از نماز خوف دارد که مربوط به میدانهای جنگ است و همچنین سخن از شکستن نماز در سفر دارد «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا» (۱۰۱ نساء) هنگامی که مسافرت کنید مانعی ندارد که نماز را کوتاه کنید اگر از خطرات کافران بترسید، زیرا کافران دشمن آشکار شما هستند". در این آیه از سفر تعبیر به ضرب فی الارض شده است، زیرا مسافرمین را به هنگام سفر با پای خود می‌کوبد. (تفسیر نمونه، ج ۴، ص: ۹۴) آیه از نظر سیاق دلالت بر وجوب کند، و از آن استفاده شود که باید نماز را بشکنید، بطوری که اگر تمام بخوانید نمازتان باطل است. مقام آیه شریفه مقام تشریح حکم است و در آن صرف کشف از اینکه چنین حکمی هست کافی است، و لازم نیست که در این مقام همه جهات و خصوصیات حکم بیان شود. (می‌خواهد بفرماید: نماز در سفر شکسته است.. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۶۱) در آیه ۱۰۲ حکم نماز خوف و در حال جنگ بیان می‌گردد. «وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا

فَلْيَكُونُوا مِنْ وِرَائِكُمْ وَ لَتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يَصَلُّوا فَلْيَصَلُّوا مَعَكَ وَ لْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ
 أَسْلِحَتْهُمْ وَ ذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَعْفُلُونَ عَنِ أَسْلِحَتِكُمْ وَ أَمِيعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَ
 لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَ خُذُوا حِذْرَكُمْ
 إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا» (۱۰۲ نساء) آیه شریفه کیفیت نماز خوف را بیان نموده و
 خطاب را متوجه رسول خدا ﷺ می‌نماید و او را امام جماعت فرض می‌کند (می‌فرماید تو نماز
 را برای لشکر اقامه می‌کنی، نیمی از لشکر با تو در نیمی از نماز شرکت می‌کنند و می‌روند،
 نیمی دیگر به جماعت می‌ایستند). و این در حقیقت از قبیل بیان حکم در قالب مثال است
 تا بیان برای شنونده واضح‌تر شده، و در عین حال مختصرتر و زیباتر از کار درآید... معنای آیه:
 وقتی تو (رسول خدا ص) در جنگ همراه مسلمانان باشی، و حال، حال خوف بوده باشد، و
 بخواهی برای مسلمانان اقامه نماز کنی، یعنی با آنان نماز جماعت بخوانی، همه آنان یکباره
 داخل نماز نشوند، بلکه طایفه‌ای از آنان با توبه نماز بایستند، و به توافق اقدام کنند، و در حال نماز
 اسلحه خود را بردارند، و معلوم است که طایفه‌ای دیگر مواظب این طایفه و ااثان آنان هستند
 تا به سجده بروند و نماز را تمام کنند، و در پشت سر شما در جای طایفه دوم قرار گیرند، آن
 وقت طایفه دوم در حالی که آنها نیز سلاح را با خود دارند می‌آیند و به نماز می‌ایستند.
 (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۶۲) سپس در آیه ۱۰۳ «فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ
 قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
 كِتَابًا مُؤْتًيًا» بدنبال دستور نماز خوف در آیه گذشته و لزوم پیاداشتن نماز حتی در حال جنگ
 در این آیه می‌فرماید: " پس از اتمام نماز یاد خدا را فراموش نکنید، و در حال ایستادن و نشستن
 و زمانی که بر پهلو خوابیده‌اید به یاد خدا باشید و از او کمک بجوئید". آیه فوق در حقیقت
 اشاره به يك دستور مهم اسلامی است، که معنی نماز خواندن در اوقات معین این نیست که
 در سایر حالات انسان از خدا غافل بماند بلکه، نماز يك دستور انضباطی است که روح توجه
 به پروردگارا در انسان زنده می‌کند و میتواند در فواصل نمازها خدا را به خاطر داشته باشد
 خواه در میدان جنگ باشد و خواه در غیر میدان جنگ. آیه فوق در روایات متعددی به

کیفیت نماز گزاردن بیماران تفسیر شده که اگر بتوانند ایستاده و اگر نتوانند نشسته و اگر باز نتوانند به پهلو بخوابند و نماز را بجا آورند... سپس قرآن می‌گوید: دستور نماز خوف يك دستور استثنایی است و " به مجرد اینکه حالت خوف زائل گشت، باید نماز را به همان طرز عادی انجام دهید". (فَإِذَا أَظْمَأْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ). و در پایان سراین همه سفارش و دقت را درباره نماز چنین بیان می‌دارد: " زیرا نماز وظیفه ثابت و لایتغیری برای مؤمنان است". (إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا). کلمه " موقت" از ماده " وقت" است بنا بر این معنی آیه چنین است که اگر ملاحظه می‌کنید حتی در میدان جنگ مسلمانان باید این وظیفه اسلامی را انجام دهند به خاطر آن است که نماز اوقات معینی دارد که نمی‌توان از آنها تخلف کرد. (تفسیر نمونه، ج ۴، ص: ۱۰۴ - ۱۰۵) از ظاهر لفظ آیه بر می‌آید که نماز از همان اول تشریح، فریضه‌ای دارای وقت بوده که باید هر نمازی را در وقت خودش انجام داد. ولی ظاهراً وقت در نماز، کنایه باشد از ثبات و عدم تغییر و خلاصه کلام اینکه ظاهر لفظ منظور نیست، و نمی‌خواهد بفرماید نماز فریضه‌ای است دارای وقت بلکه می‌خواهد بفرماید: فریضه‌ای است لایتغیر و ثابت و بنا بر این اطلاق موقت بر کلمه کتاب، اطلاق ملزوم بر لازمه چیزی است. و مراد از کتاب موقت، کتابی مفروض و ثابت و غیر متغیر است. می‌خواهد بفرماید: نماز به حسب اصل، دگرگونی نمی‌پذیرد. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۶۳)

توصیف نماز منافقانه

آیه دیگری در سوره نساء در ارتباط نماز توصیف نماز منافقانه است، نمازی که همراه با کسالت و ریاکاری است. «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء ۱۴۲) وقتی به نماز می‌ایستند اولاً به حالت کسالت می‌ایستند و پیدا است که هیچ اشتها و میلی به نماز ندارند و در ثانی همه در صدد آنند که به مردم بفهمانند که ما نماز خوانیم، با اینکه نماز برترین عبادتی است که خدای تعالی در آن ذکر و یادآوری می‌شود و اگر به راستی دل‌هایشان علقه و محبتی به پروردگارشان می‌داشت و به او ایمان می‌داشت، در توجه به سوی خدا و در ذکر خدا دچار کسالت و سستی

نمی‌شدند و عمل خود را به قصد ریا و نشان دادن به مردم انجام نمی‌دادند و در عوض بسیار خدا را به یاد می‌آوردند، آری قلب به هر چه تعلق داشته باشد و خاطر آدمی به هر چه مشغول باشد، دائماً به یاد همو خواهد بود. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۱۱۷)

توصیف نماز به عنوان ویژگی راسخون در علم

در آخرین آیه سوره نساء در ارتباط با نماز «لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَ الْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء ۱۶۲) آنها که راسخ در علم هستند و نیز آنها که مؤمن حقیقی اهل کتاب هستند را کسانی دانسته که به پیامبر و به آنچه قبل از ایشان نازل شده ایمان می‌آورند و از ویژگی‌های آنان را برپاداشتن نماز دانسته است. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۱۳۸)

بیان عاقبت نمازگزاران

در سوره رعد که سوره‌ای مکی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص: ۲۸۳) صابران نماز خوان را وعده عاقبت خوش و بهشت «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ می‌دهد» (۲۲ رعد) معنای اینکه فرمود: " وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ" این است که نماز را بر پا داشتند، یعنی نگذاشتند ساقط شود، و به اجزاء و شرایط آن خللی وارد نساخته و آن را ترك ننمودند و خوارش نداشتند. و اگر "صلاة" و "انفاق" را بر صبر عطف نموده از باب عطف خاص بر عام است، تا به قول بعضی اهمیت و عظمت آنها را برساند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص: ۳۴۴) چه چیز مهم‌تر از این است که انسان هر صبح و شام رابطه و پیوند خود را با خدا تجدید کند، با او به راز و نیاز برخیزد و بیاد عظمت او و مسئولیت‌های خویش بیفتد، و در پرتو این کار، گرد و غبار وزن‌نگارگناه را از دل و جان بشوید، و با پیوستن قطره وجود خود به اقیانوس بیکران هستی حق، مایه بگیرد، آری نماز همه این برکات و آثار را دارد. (تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص: ۱۸۹)

توصیف نماز به عنوان حکمی مشترک میان ادیان ابراهیمی

در سوره بینه که سوره‌ای مدنی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص: ۳۳۵) یکی از اموری را که خداوند به اهل کتاب امر نموده نماز دانسته و اقامه نماز را از جمله وزگی های دین قیم شمرده است. «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ» (بینه ۵) جمله " وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ" از باب ذکر خاص بعد از عام، و یا ذکر جزء بعد از کل است، که در مواردی صورت می‌گیرد، که گوینده به آن فرد خاص عنایت بیشتری دارد، در اینجا نیز خدای تعالی بعد از ذکر کلی عبادت، نماز و زکات را ذکر کرد، چون این دو عبادت از ارکان اسلامند، یکی توجه عبودی خاصی است به درگاه خدای تعالی، و دیگری انفاق مال است در راه رضای او. این دعوت محمدی که بشر به پذیرفتن آن مامور شده، دینی است که در همه کتابهای قیم آسمانی مکلف بدان بودند، و دین نوظهوری نیست، چون دین خدا همواره یکی بوده، پس باید به آن بگروند، برای اینکه قیم است. ... مردم در دعوت اسلامی مامور نشده‌اند مگر به احکام و قضا‌هایی قیم، احکام و قضا‌یایی که مصالح جامعه انسانی را تامین می‌کند، پس با در نظر گرفتن این معنا بر مردم واجب است به این دعوت ایمان آورده، و به این دین متدین شوند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص: ۳۳۹) اهل کتاب در آئین خودشان مساله توحید و نماز و زکات وجود داشته و اینها مسائلی است ثابت، ولی آنها به این دستورات نیز وفادار نمانده‌اند... در آئین اسلام دستوری جز توحید خالص و نماز و زکات و مانند آن نیامده، و اینها اموری هستند شناخته شده، چرا از قبول آن سرباز می‌زنند؟ و در پذیرش آن اختلاف می‌کنند (تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص: ۲۰۳)

توصیف نماز به عنوان ویژگی مردانی که مثل نور الهی اند

در سوره نور که سوره‌ای مدنی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص: ۷۷) اقامه نماز و ویژگی مردانی دانسته شده که مثل نور الهی اند «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» (نور ۳۷) کلمه " اقام" همان اقامه است که تائ آن به منظور تخفیف حذف شده. و مراد از اقامه نماز و ایتاء زکات،

آوردن همه اعمال صالح است که خدای تعالی بندگان را بدانها مامور کرده که در زندگی دنیایشان انجام دهند. اقامه نماز وظایف عبودیت بنده را برای خدای سبحان ممثل می‌کند، و ایتاء زکات وظایف او را نسبت به خلق ممثل می‌سازد، چون نماز و زکات هر یک در باب خود رکنی هستند. و اینکه بین ذکر خدا و بین اقامه نماز و دادن زکات مقابله انداخته با در نظر گرفتن اینکه این دو - و مخصوصاً نماز - از مصادیق ذکر خدایند این معنا را می‌رساند که مراد از "ذکر الله" ذکر قلبی است، که مقابل فراموشی و غفلت از یاد خدا است، و خلاصه مراد از آن ذکر علمی و مراد از نماز و زکات ذکر عملی است. پس مقابله مذکور این معنا را می‌رساند که مراد از جمله "عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ اِيتَاءِ الزَّكَاةِ" این است که اهل این خانه‌ها از یاد مستمری خدا در دل‌هایشان و ذکر موقت به اعمالشان از نماز و زکات منصرف نشده و به هیچ چیز دیگری نمی‌پردازند، اینجا است که خواننده درک می‌کند که تقابل بین تجارت و بیع و بین ذکر خدا و اقامه نماز و دادن زکات چقدر زیبا است، چون این تقابل این معنا را می‌رساند که اهل این خانه را ملهی مستمر و موقت از یاد مستمر و موقت باز نمی‌دارد. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص: ۱۲۷)

نماز خواندن همه موجودات

در آیه ۴۱ سوره نور سخن از نماز خواندن همه ی موجودات آسمان و زمین می‌شود، «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (نور ۴۱) هر یک از کسانی که در زمین و آسمان هستند و همچنین پرندگان، از نماز و تسبیح خود آگاهند.... به این ترتیب موجودات زمین و آسمان با زبان حال، یا زبان قال، در پیشگاه خدا دعا می‌کنند، و از محضر او تقاضای فیض دارند، و او هم که فیاض مطلق است بر حسب استعدادهایشان به آنها می‌بخشد و دریغ ندارد. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص: ۴۹۹-۵۰۰)

نماز مقدمه ساز حکومت مؤمنان و صالحان

در ادامه برپایی نماز را مقدمه ساز حکومت مؤمنان صالح و مایه جلب رحمت خداوند معرفی نموده است «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (۵۶ نور) در آیه گذشته وعده خلافت روی زمین به مؤمنان صالح داده شده بود و این دو آیه، مردم را برای فراهم کردن مقدمات این حکومت بسیج می‌کند، در ضمن نفی موانع بزرگ را نیز خودش تضمین می‌نماید، در حقیقت یکی از این دو آیه در صدد بیان مقتضی است و آیه دوم نفی موانع. نخست می‌گوید: "نماز را برپا دارید" (وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ). همان نمازی که رمز پیوند خلق با خالق است، و ارتباط مستمر آنها را با خدا تضمین می‌کند، و میان آنها فحشاء و منکر حائل می‌شود.... "تا در پرتوانجام این دستورات مشمول رحمت خدا شوید" (لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ). و شایسته پرچمداری حکومت حق و عدالت. (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص: ۵۳۵-۵۳۶)

تقسیم اوقات روز با محوریت نماز

در آخرین آیه سوره نور در ارتباط با نماز تقسیم اوقات روز با محوریت نماز انجام گرفته «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (۵۸ نور) در این آیه مساله اذن گرفتن کودکان بالغ و نابالغ به هنگام ورود به اتاق هایی است که مردان و همسرانشان ممکن است در آن خلوت کرده باشند. نخست می‌گوید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید باید مملوکهای شما (بردگانتان) و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند" قبل از نماز فجر و در نیمروز و بعد از نماز عشاء (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص: ۵۳۸-۵۳۹)

توصیف نماز به عنوان ویژگی محبتین

در سوره حج برپا داشتن نماز از جمله ویژگی‌های محبتین بیان گردیده است «الَّذِينَ إِذَا

ذَكَرَ اللَّهُ وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ الصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَ الْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»
(حج ۳۵)

برپاداشتن نماز و ویژگی حکومت مؤمنین

در آیه ۴۱ ویژگی حکومت مؤمنین را برپاداشتن نماز در زمین معرفی می‌نماید. «الَّذِينَ إِذَا
مَكَتْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ
الْأُمُورِ» (حج ۴۱) طبق این آیه شریفه مؤمنین در میان همه انواع و انحاء زندگی يك زندگی
صالح را اختیار می‌کنند و جامعه‌ای صالح به وجود می‌آورند که در آن جامعه نماز به پا
داشته، و زکات داده می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌گیرد. چنانچه آیه شریفه از
میان همه جهات عبادی، نماز و از میان همه جهات مالی، زکات را نام برد، بدین جهت
است که این دو در باب خود (عبادات) عمده هستند... مراد از مؤمنین در این آیه عموم
مؤمنین آن روز، بلکه عامه مسلمین تا روز قیامت است، و این خصیصه و طبع هر مسلمانی
است، هر چند که قرن‌ها بعد به وجود آید. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۸۶)

دستور اقامه نماز به امت برگزیده

در آیه ۷۸ به مؤمنین به اسلام که آنان را امت برگزیده خوانده دستور اقامه نماز می‌دهد
«وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أَيْكُمْ
إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ
عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ»
(حج ۷۸)

دستور به اقامه نماز بعد از نسخ حکم صدقه به هنگام نجوا

در آیه ۱۲ و ۱۳ سوره مجادله که سوره‌ای مدنی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹،
ص: ۱۷۷) پس از طرح لزوم پرداخت صدقه قبل از سخن گفتن با پیامبر و خبر از نسخ این

حکم و پذیرفته شدن توبه کسانی که به حکم قبل از نسخ عمل نکردند دستوره اقامه نماز داده می شود «أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَي نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مجادله ۱۳) دعوت به اقامه نماز و اداء زکات و اطاعت خدا و پیامبر ص به خاطر اهمیت آن است و نیز اشاره ای است به اینکه اگر بعد از این نجوا می کنید باید در مسیر اهداف بزرگ اسلامی و در طریق اطاعت از خدا و رسول ص باشد. (تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص: ۴۵۰)

حکم وجوب نماز جمعه

در سوره جمعه که سوره ای مدنی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص: ۲۶۲) برای اولین بار حکم وجوب نماز جمعه اعلام می شود «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكَمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (جمعه ۹) این آیه وجوب نماز جمعه و حرمت معامله را در هنگام حضور نماز تاکید نموده، در ضمن کسانی را که در حال خطبه نماز آن را رها نموده، به دنبال لهو و تجارت می روند عتاب نموده، عملشان را عمل بسیار ناپسند می داند.... منظور از "نماز روز جمعه" همان نمازی است که مخصوص روز جمعه تشریح شده. و منظور از "سعی به سوی ذکر خدا" دویدن به سوی نماز جمعه است. و مراد از "ذکر خدا" همان نماز است... و جمله "ذَلِكَمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ" تشویق و تحریک مسلمانها به نماز و ترك بیعی است که بدان مامور شده اند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص: ۲۷۳) و در ادامه می فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (جمعه ۱۰) منظور از "قضاء صلاة" اقامه نماز جمعه، و تمام شدن آن است. و مراد از "انتشار در ارض" متفرق شدن مردم در زمین و مشغول شدن در کارهای روزانه برای به دست آوردن فضل خدا - یعنی رزق و روزی - است. و اگر در میان همه کارهای روزانه فقط طلب رزق را نام برد، برای این بود که مقابل ترك بیع در آیه قبلی واقع شود، لیکن از آنجایی که ما در آیه قبلی گفتیم که منظور از ترك بیع همه کارهایی است که آدمی را از نماز باز می دارد، لا جرم باید بگوییم منظور از طلب رزق هم همه کارهایی است که

عطیه خدای تعالی را در پی دارد، چه طلب رزق و چه عیادت مریض، و یا سعی در برآوردن حاجت مسلمان، و یا زیارت برادر دینی یا حضور در مجلس علم، و یا کارهایی دیگر از این قبیل. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص: ۲۷۴)

بیان شرایط و احکام نماز (احکام وضو، غسل، تیمم)

در آیه ۶ سوره مائده که سوره‌ای مدنی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۱۵۷) طهارت را به عنوان شرط نماز مطرح نموده و احکام وضو، غسل و تیمم را بیان می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (مائده ۶) در این آیه به "طیبات روح" و آنچه باعث پاکیزگی جان انسان می‌گردد، اشاره شده است و قسمت قابل ملاحظه‌ای از احکام وضو و غسل و تیمم که موجب صفای روح است، تشریح گردیده، نخست خطاب به افراد با ایمان کرده، احکام وضو را به این ترتیب بیان می‌کند "ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز بپا خاستید صورت و دستهای خود را تا آرنج بشوئید و قسمتی از سر و همچنین پا را تا مفصل (یا برآمدگی پشت پا) مسح کنید".... (تفسیر نمونه، ج ۴، ص: ۲۸۵) سپس به توضیح حکم غسل پرداخته و چنین می‌فرماید: "و اگر جنب باشید غسل کنید". (وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا). روشن است که مراد از جمله "فاطهروا" شستن تمام بدن می‌باشد، زیرا اگر شستن عضو خاصی لازم بود می‌بایست نام آن برده شود، بنا بر این هنگامی که می‌گوید خود را شستشو دهید، مفهومش شستشوی تمام بدن است (تفسیر نمونه، ج ۴، ص: ۲۸۸) سپس طرز تیمم را اجمالاً بیان کرده، می‌گوید: "بوسیله آن صورت و دستهای خود را مسح کنید، (فَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ) روشن است که منظور این نیست که چیزی از خاک بردارند و به صورت و دست بکشند، بلکه منظور این است پس از زدن دست بر خاک پاک، صورت و دستها را مسح کنند.

(تفسیر نمونه، ج ۴، ص: ۲۸۹)

معرفی نماز به عنوان میثاق بنی اسرائیل و شرط ورود به بهشت

در آیه ۱۲ سوره مائده نماز به عنوان یکی از موارد میثاقی که از بنی اسرائیل گرفته شد معرفی شده که چنانچه به آن عمل شود مورد حمایت الهی قرار گرفته و کفاره گناهانشان می گردد و سبب ورود آنان به بهشت خواهد شد «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (مائده: ۱۲)

اعلان ولایت حضرت علی علیه السلام در حال نماز

در آیه ۵۵ سوره مائده، «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» اعلان مقام ولایت و اولویت حضرت علی علیه السلام در اداره جامعه اسلامی، در حال نماز و هنگامی که در رکوع صدقه می دهند اعلام شده است (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص: ۳۲۶، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص: ۱۴)

در آیه ۵۵ سوره مائده تمسخر نماز مؤمنین توسط کفار را نشانه بی عقلی آنان دانسته است «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (مائده: ۵۸) این آیه بیان می کند کفار دین مؤمنین را به بازی و مسخره می گیرند، و مراد از "نادیتم" اذانی است که در اسلام قبل از هر نماز واجب یومیه تشریح شده است... استهزا آنان و به مسخره گرفتن نماز و اذان برای اینست که آنان مردمی سبکسرو بی عقلند، و نمی توانند از نظر تحقیق به این اعمال دینی و عبادتهایی که عبادت حقیقی است بنگرند، و فواید آن را که همانا نزدیکی به خدای تعالی و تحصیل سعادت دنیا و آخرت است درک کنند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص: ۲۸)

بازداشتن نماز از مردم نقشه شیطان برای گمراهی

در آیه ۹۱ یکی از نقشه‌های شیطان برای گمراهی انسان را بازداشتن مردم از نماز معرفی می‌کند: «إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» در جمله "وَيُضِدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ" نماز را جدای از ذکر خدا اسم برد، با اینکه نماز هم ذکر خداست، استفاده می‌شود که چون نماز فرد کامل از ذکر است، خدای تعالی اهتمام بیشتری به امر آن دارد، و در روایت صحیح از رسول الله وارد است که فرمود: نماز ستون دین است. و همچنین در آیات بسیار زیادی از قرآن کریم به این معنا اشاره شده است، بطوری که جا برای شك و تردید باقی نگذاشته... و اینکه در آیه مورد بحث ذکر را از نماز مقدم داشته برای این بوده است که تنها و تنها مقصود از دعوت الهی آن بوده است. آری، ذکر خدا خمیرمایه سعادت دنیا و آخرت، و روح زنده هر پیکره‌ای از عبادات است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص: ۱۲۳)

حکم سوگند خوردن بعد از نماز به عنوان راهکار رفع مخاصمه

در آخرین آیه مرتبط با نماز در سوره مائده سوگند خوردن بعد از نماز را به عنوان راهکاری برای تمام شدن مخاصمه معرفی نموده است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ ازْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآثِمِينَ» (۱۰۶ مائده) اگر یکی از مسلمین در سفر احساس کرد که اجلش فرا رسیده و خواست تا وصیتی کند می‌باید دو نفر شاهد عادل از مسلمین را در حین وصیت خود گواه بگیرد. و اگر به چنین دو نفری دست نیافت، دو نفر از یهود و نصارا گواه بگیرد، و اگر پس از مرگش اولیای او این وصیت را نپذیرفتند و در باره آن سوء ظنی داشتند، آن دو شاهد را بازداشت می‌کنند تا پس از نماز بر صدق شهادت خود به خدای متعال سوگند یاد کنند و به این وسیله به نزاع خاتمه دهند. بنا بر این اگر اولیای میت مطلع شدند که این دو شاهد در شهادت خود دروغ گفته و یا در قضیه خیانت

کرده‌اند آنان نیز بر صدق ادعای خود (خیانت شهود) دو شاهد اقامه می‌کنند (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص: ۱۹۵)

خواندن نماز یکی از شرایط پذیرش توبه مشرکین

در سوره توبه که سوره‌ای مدنی است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص: ۱۴۴) پس از دستور قتال با مشرکین دستور می‌دهد با شرایطی توبه آنان پذیرفته گردد که خواندن نماز یکی از شرایط پذیرش توبه مشرکین معرفی شده است «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْضُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه ۵) بر اساس این آیه اگر مشرکین با ایمان آوردن از شرک بسوی توحید برگشتند، و با عمل خود شاهد و دلیلی هم بر بازگشت خود اقامه نمودند به این معنا که نماز خوانده و زکات دادند، و به تمامی احکام دین شما که راجع است به خلق و خالق ملتزم شدند در این صورت رهایشان کنید. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص: ۱۵۳) همچنین در آیه ۱۱ خواندن نماز را شرط پذیرش توبه مشرکین و برادری دینی شدن با مسلمانان معرفی شده است «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (۱۱ توبه) توبه به دلالت سیاق این است که به سوی ایمان به خدا و آیات او برگردند، و به همین جهت بصرف توبه اکتفاء نکرده و مساله بپا داشتن نماز را که روشن‌ترین مظاهر عبادت خداست و همچنین زکات دادن را که قوی‌ترین ارکان جامعه دینی است به آن اضافه کرد، و این دورا به عنوان نمونه و اشاره به همه وظایف دینی که در تمامیت ایمان به آیات خدا دخالت دارند ذکر نمود. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص: ۱۵۸) در آیه ۱۸ شرایط آباد کنندگان مساجد و کانونهای پرستش و عبادت را ذکر نموده و بر پاداشتن نماز را یکی از آنها دانسته «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» (۱۸ توبه) (وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ) یعنی ایمانش به خدا و روز رستاخیز تنها در مرحله ادعا نباشد، بلکه با اعمال پاکش آن را تایید کند، هم پیوندش با خدا محکم باشد و نماز را به درستی انجام دهد، و هم پیوندش با

خلق خدا، و زکاة را پردازد. (تفسیر نمونه، ج ۷، ص: ۳۱۵)

توصیف نماز منافقین

در آیه ۵۴ برای توضیح فسق منافقین که انفاقشان پذیرفته نمی‌شود کسالت آنان در نماز را ذکر می‌کند «وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَّلَ مِنْهُمْ إِنَّهُمْ إِفْقَارٌ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ» (توبه ۵۴) نپذیرفتن انفاق منافقین را به بیانی مفصل تر تعلیل می‌کند و به عبارت دیگر به منزله شرح و توضیح فسق ایشان است، و در آن، کفر به خدا و رسول او، و کسالت و بی‌میلی در نماز خواندن، و کراهت در انفاق از ارکان نفاق آنان شمرده شده است. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص: ۳۰۸)

اقامه نماز و ویژگی مؤمنین

بعد از بیان حال منافقین، اینک حال مؤمنین را بیان می‌کند و اقامه نماز را ویژگی مؤمنانی که اولیای یکدیگرند معرفی می‌نماید «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (۷۱ توبه) نماز به پا می‌دارند و زکات می‌پردازند، و این نماز و زکات دورکن وثیق در شریعت اسلام است، اما نماز رکن عبادات غیر مالی است که رابط میان خدا و خلق است، و اما زکات رابطه‌ای است که در معاملات میان خود مردم برقرار است. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص: ۳۳۸)

عدم جواز اقامه نماز میت بر منافقین

در آخرین آیه نازل شده پیرامون نماز عدم جواز نماز برای میت منافق بیان شده است «وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ» (توبه ۸۴) پس از آنکه منافقان با تخلف صریح از شرکت در میدان جهاد پرده‌ها را دریدند و کارشان بر ملا شد، خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد روش صریح‌تر و محکم‌تری

در برابر آنها اتخاذ کند تا برای همیشه فکر نفاق و منافق‌گری از مغزهای دیگران برچیده شود، و منافقان نیز بدانند در جامعه اسلامی محلی برای آنها وجود نخواهد داشت. لذا می‌فرماید: "بر هیچیک از آنها (منافقان) که از دنیا می‌روند نماز مگزار. (تفسیر نمونه، ج ۸، ص: ۶۸-۶۷)

نتیجه

این پژوهش به بررسی مراحل "تبلیغ نماز" در قرآن کریم براساس سیر نزول آیات نماز پرداخت و این مساله را در سه محور اصلی ساماندهی نمود:

الف) فرهنگ سازی و آماده سازی جامعه برای پذیرش حکم نماز

ب) تشریح نمازهای پنج‌گانه و بیان بیشتر ابعاد اخلاقی نماز

ج) پرداخت بیشتر به احکام نماز و بیان ابعاد اجتماعی نماز

براین اساس مشخص شد که تبلیغ نماز در قرآن کریم درسیری تکاملی و تدریجی صورت گرفته، نخست جامعه برای پذیرش حکم و جوب نمازهای پنج‌گانه آماده شده در این راستا بر مقابله با بی‌نمازان و نکوهش بی‌نمازی تاکید شده و آثار و فواید نماز بیان گردیده، در مرحله بعد نمازهای پنج‌گانه تشریح شده پاره‌ای از احکامش بیان گردیده به توصیف نماز و نماز گزاران پرداخته شده و با ارائه الگوی عملی و سیره پیامبران و بیان ابعاد اخلاقی نماز، فرهنگ نمازخوانی در جامعه تثبیت گردیده است در مرحله سوم به احکام و شرایط نماز در موقعیت‌های گوناگون و جزئیات این احکام اهمیت بیشتری داده شده و ابعاد اجتماعی نماز از جمله نماز در جهاد، نماز جمعه، نماز بعد از برپایی حکومت و مسائل و احکام مرتبط با نماز و مشرکین و منافقین پرداخته شده است. در نتیجه برای فرهنگ سازی نماز در گام دوم انقلاب خصوصا میان جوانان باید مراحل سه‌گانه مورد توجه فرهنگ سازان و مدیران فرهنگی جامعه قرار بگیرد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
 ۲. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت، دارالکتب العلمیه.
 ۳. بغوی حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت
 ۴. بیضاوی، عبد الله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
 ۵. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۲۱ ق، الإیتقان فی علوم القرآن، دارالکتب العربی، بیروت
 ۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، دارالفکر، کتابخانه آیه مرعشی نجفی.
 ۷. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
 ۹. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی
 ۱۰. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
 ۱۱. گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ ق، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۱۲. مدرسی سید محمد تقی، ۱۴۱۹ ق، من هدی القرآن، دار محبی الحسین، تهران.
۱۳. مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ ق، تفسیر الکاشف، دار الکتب الإسلامية، تهران.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية.

